

دیوان دوست داران آق قویونلوئی

معرفی کتابی از امیر علیشیر نوایی*



آنادردی عنصری

ارتباط ژاپنی‌ها با ایران در سلطنت ناصرالدین شاه قاجار در سال ۱۸۸۰م/۱۲۹۷ق آغاز شد. این ارتباط که جنبه‌ی سیاسی داشت بعدها به حوزه‌های علمی و فرهنگی نیز دامن گستراند. آغار مطالعات فرهنگی و پژوهش‌های ایران‌شناسی به وسیله‌ی ژاپنی‌ها به دهه‌های ابتدایی قرن بیستم میلادی باز می‌گردد. «آکی‌تو کازاما» نخستین وزیرمختار ژاپن که فردی دانشمند و علاقه‌مند به تاریخ بود آثاری درباره‌ی سرزمین ایران و دنیای اسلام منتشر کرد. (تاریخ جغرافیا ۱۳۵ ص ۴۴)

بعدها با گسترش مطالعات ایران‌شناسی در مراکز علمی ژاپن، پژوهشگران این کشور در موضوع شاهنامه‌شناسی، خیام‌شناسی و سعدی‌شناسی آثار ارزشمندی را تألیف کردند. از چهره‌های ایران‌شناسی ژاپن می‌توان به «توشیهیکو ایزوتسو» اسلام‌شناس. «یاسوشی اینووه» محقق راه ابریشم و «مینو بوهندا» مغول‌شناس اشاره کرد. (همان ص ۴۷)

تعمیق مطالعات اسلام‌شناسی و ایران‌شناسی در ژاپن تأسیس نهادهای تحقیقاتی دانشگاهی را در پی داشت. «انجمن شرق‌شناسی» و «انجمن خاورمیانه‌شناسی» از جمله انجمن‌های پویای پژوهش‌های غرب آسیا و شمال آفریقا در ژاپن به‌شمار می‌آیند. (همان ص ۴۷) نیز بخش «مطالعات خاور نزدیک» و «مؤسسه مطالعات اسلامی» و بالاخره «پژوهشکده زبان‌ها و فرهنگ‌های آسیا و آفریقا» که کتاب مورد بررسی را منتشر کرده‌است.

کتاب «علیشیر نوایی. آق‌قویونلی مخلص‌لار دیوانی» [علیشیرنوایی. دیوان دوستداران آق‌قویونلوئی] از انتشارات بخش «مطالعات خاورمیانه و اسلام پژوهشکده زبان‌ها و فرهنگ‌های آسیا و آفریقا» وابسته به دانشگاه مطالعات خارجی توکیو است که در سال ۲۰۱۵م به مناسبت پانصدو هفتادوپنجمین سال تولد امیرعلیشیرنوایی تنظیم و منتشر شده‌است. این کتاب یکصدویکمین شماره از سری «مطالعات فرهنگ اسلامی» و هجدهمین شماره از سری «مطالعات خاورمیانه و اسلام» است.

* میرنظام‌الدین علیشیر نوایی شاعر و معروف‌ترین و دانشمندترین وزیر دوره تیموری و از بزرگ‌زادگان خاندان چغتایی، در سال ۸۴۴ ق در هرات متولد شد. خاندان او از صاحبان احترام و اهل فضل و دانش بودند. او در سال ۸۷۶ ق به امارت دیوان اعلان منصوب کرد. نفوذی که او اعمال می‌کرد، به قدری مؤثر و مقتدرانه بود که پس از سلطان، شخص دوم دولت و مملکت به حساب می‌آمد. نوایی پس از استعفا از مقام وزارت در سال ۸۹۲ ق به حکم سلطان حسین یاقرا، حاکم استرآباد شد و در این دیار از خود شایستگی‌ها نشان داد و به عدالت رفتار می‌کرد.

ویراستار کتاب «افتان دل ایرکینوف» محقق اهل اوزبکستان است که در سال ۲۰۱۴م مدتی با عنوان «استاد مدعو» در پژوهشکده زبان‌ها و فرهنگ‌های آسیا و آفریقا وابسته به دانشگاه مطالعات خارجی توکیو به کار تدریس و تعلیم اشتغال داشته و آثار دیگری نیز مرتبط با موضوع «نوایی‌شناسی» و «تاریخ تیموریان» از وی منتشر شده است. کتاب «علیشیرنوایی» دیوان دوستداران آق‌قویونلوئی» در سه بخش تنظیم شده است. بخش اول شامل یک پیشگفتار و یک مقدمه. بخش دوم شامل «اختصارات»، «کتاب‌شناسی» و «آوانگاری بین‌المللی» است. بخش سوم و قسمت پایانی کتاب شامل نسخه عکسی دیوان شعر مورد بررسی است.

بررسی محتوایی کتاب

ویراستار در بخش اول، قسمت پیشگفتار، نسخه‌ی خطی مورد بررسی را به سه زبان انگلیسی، اُزبکی و روسی در یک صفحه به اختصار معرفی می‌کند و توضیح می‌دهد که این نسخه خطی، دیوان شعر علیشیرنوایی از کتابخانه‌ی ملی مصر در قاهره یافت شده که در بخش ادبیات ترکی و به شماره ۶۸ ثبت شده است. آن نسخه‌ی منحصربه‌فردی است که در شیراز و در دربار آق‌قویونلو وسیله‌ی جمعی از دستداران علیشیرنوایی گردآوری شده و در تاریخ ۸۷۶ ق/ ۱۴۷۱م استتساخ شده است. کاتب نسخه، خطاط مشهور دربار ترکمانان آق‌قویونلوی فارس، عبدالرحیم خوارزمی است که با تخلص «انیسی» دستی در شعر نیز داشته است. ویراستار معتقد است این نسخه‌ی خطی، هم از جهت نویافت بودن و هم از جهت زمان و مکان تنظیم آن، می‌تواند نسخه‌ای مهم و منحصربه‌فرد از دیوان شعر علیشیرنوایی باشد. پاره‌ی دوم بخش اول با عنوان «مقدمه» که در سه زبان انگلیسی، اُزبکی و روسی نوشته شده، در حقیقت متن اصلی است که مؤلف در آن، در ذیل عناوین فرعی درباره‌ی نسخه‌ی خطی دیوان و موضوعات مرتبط، به تفصیل سخن می‌گوید.

بهره‌ی اول: از هرات تا شیراز

ویراستار در آغاز این قسمت به عنوان نقطه‌ی عزیمت مناسب. سه بیت از مثنوی فرهادوشیرین علیشیرنوایی را با ترجمه‌ی آن نقل می‌کند:

اگر بیر قوم گریوز یوقسه مینگ دور! / [اگر یک قوم گرسد هرچند هزار باشد]
 معین ترک اولوسی خودمینگ دور / [همه ملت ترک از آن من است]
 آلیب مین تحت فرمانیم غه آسان / [گرفتم تحت فرمانم به آسان]
 چیریک چیکمای ختادین تا خراسان / [بی لشکر از چین تا خراسان]
 خراسان دما کیم شیراز و تبریز / [مگو خراسان بل شیراز و تبریز]
 که قیلیمش دورنی کلکیم شکرریز / [شده از نی کلکم شکر ریز]

و به این نکته اشاره می‌کند که نوایی طی این اشعار به صراحت دایره‌ی نفوذ آفرینش ادبی خود را نه تنها شامل خراسان و چین که حتی شیراز و تبریز نیز دانسته است. وی با توجه به سال تألیف مثنوی فرهادوشیرین (۱۴۸۳م) نتیجه می‌گیرد که پیش از این سال، شعر نوایی در

تبریز و شیراز شناخته بوده است. این درحالی است که تا قبل از کشف و انجام کار پژوهشی بر روی نسخه‌ی آق‌قویونلوئی دیوان نوایی، نوایی شناسان به این نکته چندان عنایت نداشته و عموماً بر این عقیده بوده‌اند که دایره‌ی نفوذ جغرافیایی اشعار نوایی شامل خراسان بزرگ و آسیای میانه و ترکان ساکن در ایران می‌شده است. (ایرکینوف ص ۲۷).

ویراستار در ادامه شرح می‌دهد که نسخه‌ی دستنویس یاد شده در ۱۲ رجب سال ۸۷۶ ق/ ۲۴ دسامبر ۱۴۷۱ م/ در شیراز، مرکز حکومت آق‌قویونلوهای فارس وسیله‌ی «دوستانداران نوایی» در دربار خلیل‌سلطان گردآوری و استنساخ شده و نسخه‌ای نادر محسوب است. (همان ص ۲۸) به همین مناسبت نیز وی عنوان نسخه را به طور مشروط «دیوان دوستداران آق‌قویونلوئی» انتخاب کرده است. ویراستار از این منظر که نسخه‌ی فوق اولین بار در شهر شیراز یعنی خارج از محل زندگی نوایی - شهر هرات - و بی‌واسطه‌ی شاعر، مستقیماً وسیله‌ی دوستداران وی گردآوری و تنظیم شده، آن را بعد از «دیوان نخست» دومین دیوان شعر علیشیر نوایی می‌داند. (همان ص ۲۸).

بهره‌ی دوم: درباره‌ی نوایی

«امیر علیشیر نوایی که در این کتاب» پایه‌گذار شعر کلاسیک اُزبک (همان ص ۲۸) نامیده شده، «برجسته‌ترین شخصیت ادبیات ترکی جغتایی در قرن نهم ه.ق در آسیای میانه محسوب می‌شود.» (امیر علیشیر نوایی ۱۳۸۷ ص ۱۵).

وی در شعر فارسی نیز با تخلص «فانی» صاحب دیوان شعر است. امیر علیشیرنوایی در حقیقت کسی است که شعر ترکی را در عصر خود به حدّ اعلای کمال رساند... و بدین ترتیب به ادب ترکی سرمایه‌افزای داد که دستمایه‌ی شاعران و نویسندگان متعدّد بعد از وی شد. (میرجعفری ۱۳۷۹-ص ۱۵۵).

«نوایی در سال ۸۴۴ ه.ق در شهر هرات در یک خانواده ترک اویغور زاده شد و بخش اعظم حیاتاش را نیز در این شهر سپری کرد. خانواده‌ی وی به بزرگان و کارگزاران تیموری نَسب می‌بُرد. پدر نوایی مدتی حکومت شهر سبزواری داشت. نوایی در مدارس شهرهای هرات و مشهد درس‌آموزی کرد و با «حسین بایقرا» دوستی و مراوده داشت. چنان‌که در دوره‌ی فرمانروایی وی مدتها در مناصب حکومتی خدمت کرد. نوایی در سال‌های پایانی عمر، کلیه اشعار ترکی خود را در قالب یک مجموعه‌ی شعری با عنوان «خزائن المعانی» گردآورد و آن را در چهار دیوان با عناوین ذیل تدوین کرد:

۱- غرائب الصغائر ۲- نوادر الشّبَاب ۳- بدایع الوسط ۴- فوائدالکبر
افزون بر این، وی در نثر فارسی و ترکی نیز آثار فراوان خلق کرد که کتاب «مجالس النفاّس» وی در تذکره‌ی شعرای عصر، مشهور است.

بهره‌ی سوم: ویژگی‌های نسخه‌ی خطی

«آنطور که ویراستار شرح می‌دهد اولین گزارش مربوط به این دیوان دستنویس در فهرست

نسخ خطی موجود در کتابخانه‌ی قاهره که در سال ۱۹۳۵م منتشر شد، درج گردید. (همان ص ۳۰) نسخه‌ی خطی دیوان علیشیر نوایی - ادبیات ترک - ۶۸ - مشتمل بر ۶۷ برگ. اندازه نسخه ۱۳۰*۲۰۰ م.م. اندازه‌ی متن ۷۵*۱۴۰ م.م. متن به خط نستعلیق و در دو ستون تحریر شده. در سال ۱۴۷۲-۱۴۷۱م/ ۸۷۶ق/ نسخه‌برداری شده و دارای دو فقره مینیاتور با اسلوب نگارگری آق‌قویونلوئی است. نام کاتب عبدالرحیم بن عبدالرحمان خوارزمی. (ایرکینوف .. پیشین ص ۳۱). مصحح کتاب «ایوان چویکین» در قرائت و ضبط صحیح روز و ماه سال تحریر غفلت کرده و آن را ثبت نکرده است. نسخه شامل ۲۲۹ قطعه شعر و در انواع ذیل گردآوری شده:

۱- غزل ۲۲۴ قطعه ۲- مستزاد ۱ قطعه ۳- مخمس ۳ قطعه ۴- ترجیع بند ۱ قطعه
ویراستار در ادامه از قول پرسبلا سوچک، مینیاتورشناس، نقل می‌کند که؛ «دیوان نوایی وسیله‌ی عبدالرحیم خوارزمی تحریر شده و به نظر می‌رسد به خلیل فرزند اوزون حسن سلطان آق‌قویونلو که در سال‌های ۷۸-۱۴۷۱ حاکم شیراز بوده و یا به نام یکی از صاحب‌منصبان دربار تقدیم شده‌باشد» (همان ص ۳۱). البته ویراستار در جای خود از عدم توجه کافی پرسبلا سوچک به ظرائف نسخه‌ی فوق انتقاد می‌کند و می‌نویسد: «..... بنظر می‌رسد وی [پرسبلا سوچک] به این نسخه اشراف کافی نداشته... یا اینکه اصلا آن را مشاهده نکرده‌است». (همان صفحه ۳۱).

شروع نسخه با بیت:

ای صفحه رخسارینگ ازل خطیدن انشا/ [ای که صفحه رخسارت از خط ازل شد انشا]
دیباچه حسنگده ابد نقطه سی طغرا/ [در دیباچه حسن ات نقطه‌ی ابد شد طغرا]
پایان نسخه با بیت:

یادینگ نی قیلای حریف مجلس/ [یاد تو را کنم حریف مجلس]
فکرینگ نی ایتای کونگولگامونس/ [فکر تو باشد بر دلم مونس]

در حال حاضر دیوان مذکور تنها نسخه خطی موجود از دوره‌ی حکمرانی آق‌قویونلوها محسوب می‌شود. یکی از اساسی‌ترین مختصه‌های این نسخه وجود نشانه‌های ترکی اغوزی در زبان شعری نوایی است. وجود عناصر ترکی اغوزی در این نسخه از دیوان شعر نوایی نه به دلیل اصلیت خوارزمی کاتب دیوان بل که ناشی از این حقیقت است که کاتب، تحریر نسخه را طوری تنظیم کرده که زبان شعر به محیط ادبی درباره آق‌قویونلو و خوانندگان ترکی‌زبان شیراز نزدیک باشد.

ویراستار در پایان اضافه می‌کند: تحریر این نسخه خطی را خطاط و شاعری با تخلص شعری «انیسی» با نام «نظام‌الدین عبدالرحیم بن عبدالرحمان خوارزمی» در سال ۱۴۷۱م به پایان رسانده است. این خوشنویس عضو خانواده‌ای است که در دربار آق‌قویونلوهای فارس با نام «خوارزمی» به کار آفرینش هنری اشتغال داشتند. از این خانواده در دوره‌ی یاد شده سه نفر

به عنوان خوشنویس مشهور شناخته بودند. (همان ص ۳۳).

بهره‌ی چهارم: نوایی و شیراز و تبریز

«در این بهره در ارتباط با زمینه‌ی آثار ادب ترکی در شیراز و ایراستار مقدماً از حمایت امیران تیموری از تولیدات فرهنگی ترکی در شیراز شرح مختصری بیان می‌کند؛ اسکندرسلطان بن عمر شیخ تیموری (۱۴۱۵-۱۴۰۹) حاکم شیراز امر به نگارش آثار ادبی ترکی را صادر کرد. به طوری که در دوره‌ی حکومت آق‌قویونلوها، شیراز مرکز فعالیت شمار زیادی از شاعران، خوشنویسان و نقاشان بود». (همان ص ۳۴).

اکنون روشن است که هرات به عنوان مرکز فرهنگی تیموریان با شهرهای شیراز و تبریز روابط قوی فرهنگی داشته است. آثار ادبی و فعالیت‌های فرهنگی امیرعلیشیرنویسی این روابط را وارد مرحله‌ی عمیق‌تری کرد. و ایراستار اشاره می‌کند که بر بستر چنین رابطه‌ای، خلاقیت ادبی علیشیرنویسی به عنوان الگوی شعر ترکی در دربارهای عثمانی و صفوی مورد توجه بوده است. (همان ص ۳۴). روابط ادبی- فرهنگی موجود بین خاندان‌های تیموری و آق‌قویونلویی در پایان قرن ۱۵م/ نهم ه.ق/ در کتابی که اخیراً منتشر شده و به مناسبات بین سلطان یعقوب آق‌قویونلو و عبدالرحمان جامی شاعر معروف ادب فارسی اختصاص یافته منعکس است. جامی، مثنوی داستانی «سلامان و ابسال» خود را به نام این سلطان آق‌قویونلویی سروده است. (همان ص ۳۴).

علیشیرنویسی با سلطان یعقوب که بعد از خلیل‌سلطان به تخت سلطنت نشست، روابط دوستانه داشته است که یک مورد آن در کتاب جیب‌السیر خواندمیر نقل است. و ایراستار در ادامه شرح می‌دهد که نوایی در دیباچه‌ی دیوان «بدایع البدایه» اشاره می‌کند که: مجموعه‌ای از اشعار وی در میان مردم گردآوری و تحریر شده است. با توجه به قرب زمانی این گفتار و استنساخ دیوان «دوستداران آق‌قویونلویی نوایی» و ایراستار این فرضیه را طرح می‌کند که نوایی در این سخن خود به دیوان مذکور اشاره داشته است. همین‌طور ابیاتی در داستان «شیرین و فرهاد» نیز مؤید این نظر می‌تواند باشد:

آلیب مین تحت فرمانیم غه آسان/ [گرفتم تحت فرمانم به آسان]
چریک چیکمای ختادین تا خراسان/ [بی لشکر از چین تا خراسان]
خراسان دماکیم شیراز و تبریز/ [مگو خراسان بل شیراز و تبریز]
کی قیلیمیش دور نی کلکیم شکر ریز/ [شده از نی کلکم شکر ریز]
نوایی در شعری دیگر دایره‌ی نفوذ اشعار خود را تا «ترکمانان» نیز بسط می‌دهد:
کونکول برمیش سوزمگه جان هم/ [دل داده‌اند ترکان به شعرم]
نه یالغوز ترک بلکیم ترکمان هم/ [نه ترکان بل که ترکمان هم]
بهره‌ی پنجم:

درباره‌ی ویژگی گویشی لحاظ شده در «دیوان دوستداران...» توضیح می‌دهد که زبان رایج

در محیط ادبی آق‌قویونلوهای فارس، زبان ادبی اغوزی بوده، لاجرم در استنساخ دیوان مذکور نیز ویژگی‌های گویشی ترکی اغوزی وارد شده و بعضی «تکواژ»ها و «واژه‌های جغتایی» درگوش «اوغوزی» تقریر شده است. برای نشان دادن این تغییرات، ویراستار یک نمونه شعر از دیوان جغتایی نوایی نقل می‌کند که خواننده ترک‌زبان می‌تواند تغییرات حادث شده در نسخه‌ی «دیوان دوستداران...» را در این شعر مشاهده کند. ویراستار توضیح می‌دهد که این اعمال تغییرات زبانی تنها در مورد نمونه «دیوان دوستداران...» نبوده غالب آثار ادبی جغتایی که در محیط ادبی اغوزی استنساخ شده‌اند از تأثیرات زبان اغوزی بی‌نصیب نمانده‌اند. وی اضافه می‌کند که در نسخه‌های استنساخ شده در محیط ادبی عثمانی این تغییرات گویشی کمتر اعمال شده و کاتبان عثمانی سعی داشته‌اند که در استنساخ دیوان نوایی کلمات را عیناً با املا‌ی نسخه‌ی اصلی تحریر کنند. اما ظاهراً به دلیل عدم اشراف کاتبان دربار آق‌قویونلویی فارس به زبان ترکی جغتایی این تغییرات حادث شده و واژه‌ها در اشعار دیوان دوستداران... در نگارش بعضاً از صورت جغتایی به صورت اغوزی تغییرشکل داده‌اند.

بهره‌ی ششم: نسخ خطی دیوان‌های نوایی

در این بهره ویراستار توضیح می‌دهد که در زمینه‌ی نوایی‌شناسی مطالعه‌ی «دیوان دوستداران...» از اهمیت وافر برخوردار است. چرا که از نقطه‌ی نظر زمان استنساخ، این نسخه در واقع بعد از «دیوان نخست» که در سال ۸۷۰ ق/ ۱۴۶۵-۶۶ م/ و به وسیله‌ی خود نوایی گردآوری و تنظیم شده، کار شده است. «دیوان دوستداران...» هم به دلیل استنساخ در تاریخ ۱۴۷۱ م. دومین دیوان و هم به دلیل نشر در خارج از محیط ادبی هرات از جایگاه مهمی برخوردار است. وی اضافه می‌کند تا قبل از کشف و مطالعه‌ی این دیوان، نوایی‌شناسان، جدول ترتیب استنساخ و نشر دیوانهای شعر نوایی را در چهار دوره ثبت می‌کردند، ولی با یافته شدن «دیوان دوستداران...» این چهار دوره به پنج دوره‌ی زمانی اصلاح شده و دیوان دوستداران نیز در مرتبه‌ی دوم بعد از دیوان نخست قرار می‌گیرد.

ردیف	تاریخ تنظیم	نام دیوان
۱	۱۴۶۵-۱۴۶۶ م	دیوان نخست
۲	۱۴۷۱ م	دیوان دوستداران آق‌قویونلویی نوایی
۳	۱۴۷۰-۱۴۸۰ م	بدایع البدایه
۴	۱۴۸۰-۱۴۹۰ م	نوادر النهایه
۵	۱۴۹۲-۱۴۹۸ م	خزائن المعانی

و نکته آخر این‌که دیوان دوستداران به دلیل محتوای دو قطعه غزل که در سایر نسخ شعر نوایی دیده نشده است نیز حائز اهمیت است.

بهره‌ی هفتم: دو مکتب خوشنویسی

ویراستار در این قسمت به تفصیل در مورد دو حوزه‌ی خوشنویسی:

۱- مکتب شرق به مرکزیت هرات و دربار تیموریان که اصلی‌ترین نماینده‌ی آن سلطانه‌ی مشهدی خطاط بوده است.

۲- مکتب غرب به مرکزیت شیراز و دربار آق‌قویونلوهای فارس که نماینده آن عبدالرحیم خوارزمی متخلص به «انیسی» است، سخن می‌راند.

«محور سخن ویراستار نیز بر پایه «رقابت» بین دو مکتب و در حقیقت بین دو خوشنویس معروف زمان در شرق - هرات - سلطانه‌ی مشهدی و در غرب - شیراز - عبدالرحیم خوارزمی «انیسی» استوار است. در این رابطه وی به بعضی منابع از جمله کتاب «تحفه سامی» تألیف سام میرزا صفوی و «گلستان هنر» تألیف قاضی احمد قمی اشاره می‌کند. به موضوع رقابت دو مکتب خوشنویسی ظاهراً اول بار در کتاب «مناقب هنروران» که در سال ۱۵۸۷م. توسط مصطفی عالی در دربار عثمانی نوشته شده اشاره رفته است. سپس به بعضی تحقیقات که در زمینه‌ی رقابت موجود بین دو مکتب یاد شده اطلاعاتی ارائه داده اند اشاره می‌شود و از جمله به نوشته‌های «گالینا کاستیکووا» و «آ. مرادف» همین‌طور در «دایرةالمعارف ایران‌شناسی» به این موضوع مفصل‌تر پرداخته شده است. ویراستار در ادامه به کتاب «احوال و آثار خوشنویسان» تألیف مهدی بیانی نیز اشاره می‌کند و یک بیت شعر فارسی از شاعری تبریزی به مناسبت نقل می‌کند که:

یازان مکنید خوشنویسی

که این ختم شدست برانیسی «همان ص ۴۱»

ویراستار در ادامه، دیوان دوستداران... را یک نسخه‌ی نمونه از وجود این رقابت می‌داند و در این ارتباط نخستین دلیلی که می‌آورد این است که «دیوان دوستداران» بلافاصله بعد از «دیوان نخست» که توسط سلطانه‌ی مشهدی تحریر شده بود، تنظیم شده است. اگرچه که ویراستار تردید دارد که دیوان دوستداران مستقیماً توسط خود «انیسی» گردآوری شده باشد. «سلطانه‌ی مشهدی با وجودی که خیلی از دیوانه‌ای شعری میرعلیشیرنوبی را تحریر کرده، اما زبان ترکی نمی‌دانسته و از این رو در تحریر کلمات اشعار نوایی علی‌الخصوص در «دیوان نخست» سهوالقلم داشته است. ویراستار معتقد است که دلیل دیگر تنظیم دیوان دوستداران، شاید همین مورد خطاهای تحریری سلطانه‌ی مشهدی بوده باشد. فرض سوّمی که ویراستار به عنوان انگیزه‌ی گردآوری دیوان دوستداران طرح می‌کند هم زمانی استنساخ دیوان با شروع حکمرانی سلطان خلیل در شیراز در سال ۱۴۷۱م است. درست دو سال پیش‌تر در سال ۱۴۶۹م حکمرانی سلطان حسین بایقرا در هرات آغاز و نوایی نیز در دربار وی مشغول به کار می‌شود. ویراستار این فرض را طرح می‌کند که سلطان خلیل با هدف ابراز حسن‌نیت و نزدیکی سیاسی به دربار هرات، دستور جمع‌آوری و استنساخ دیوان دوستداران

را صادر کرده است.

بهره پایانی: نتیجه

«دیوان دوستداران آق‌قویونلوئی نوایی» از اولین نسخه‌های خطی است که در خارج از قلمرو حکومتی تیموریان و در زمان حیات نوایی، بدون دخالت شاعر، به وسیله‌ی دوستداران وی تنظیم شده است و بعد از دیوان نخست، دومین دیوان شعر نوایی محسوب و تعدادی از اشعار شاعر را که بین سالهای ۱۴۶۶م تا ۱۴۷۱م سروده شده شامل است. این دیوان تا همین سالهای اخیر نیز برای پژوهشگران «نوایی‌شناس» ناشناخته بوده و ویراستار معتقد است که آن در حقیقت بازتاب دهنده رقابت بین دو مکتب خوشنویسی شرق - هرات - و غرب - شیراز- است. افزون بر این، اهمیت این نسخه خطی در این است که در سنین جوانی نوایی و در شیراز که مرکز فرهنگی فعال ترکان اوغوز در دوره‌ی حکمرانی آق‌قویونلوهای فارس بوده استنساخ شده است، که این خود بیانگر شهرت نوایی در سرزمینهای خارج از قلمرو حکومتی تیموریان است.

بررسی انتقادی

در مقدمه‌ی فاضلانه‌ی ویراستار، تمام تلاش ایشان مصروف اثبات سه فرضیه‌ی ذیل می‌شود که: گردآوری و استنساخ دیوان دوستداران آق‌قویونلوئی نوایی نتیجه‌ی:

۱- رقابت بین دو مکتب خوشنویسی شرق ایران - هرات - دربار تیموری که سلطانعلی مشهدی آن را نمایندگی می‌کرد و غرب ایران - شیراز - دربار آق‌قویونلوهای فارس که عبدالرحیم خوارزمی «انیسی» نماینده آن بود.

۲- سهوالقلم‌های متعدد سلطانعلی مشهدی که کار استنساخ «دیوان نخست» نوایی را به عهده داشت.

۳- دستور خلیل سلطان آق‌قویونلو مبنی بر استنساخ نسخه دیوان دوستداران ... با هدف اظهار حسن نیت به دربار تیموری و سلطان حسین بایقرا بوده است.

از آن‌جا که نویسنده این پیش فرض‌ها را در قسمت پایانی مقاله‌ی خود ذکر می‌کند، شاید از جهت ساختاری، اصولی‌تر می‌بود که ویراستار محترم نقطه‌ی عزیمت پژوهش خود را ابتدائاً بیان این سه فرضیه قرار می‌داد. که در این صورت هم به لحاظ اصول پژوهشی درست‌تر می‌بود و هم استخوان‌بندی مقاله از انسجام متدیک برخوردار می‌شد. با توجه به این ایراد ساختاری، به نظر می‌رسد به‌رغم تلاش عالمانه‌ی نویسنده، مقاله از ضعف متدیک رنج می‌برد. یادآور می‌شوم که در نهایت ویراستار قادر به اثبات پیش‌فرض‌های خود نیست و به هر دلیل، علل و انگیزه‌های گردآوری و استنساخ نسخه‌ی خطی مورد بحث در هاله‌ای از ابهام باقی می‌ماند.

ضعف اشاره شده در بالا، در قسمت «کتاب‌شناسی» مقاله نیز مشاهده می‌شود. از نظر اصولی، مآخذ مورد استفاده به تفکیک کتاب [منابع. تحقیقات]، زبان و ژورنالها در یک ترتیب منظم ثبت می‌شود. متأسفانه این ترتیب اصولی و روشمند در ذکر مآخذ کاملاً رعایت نشده و

همه‌ی کتابها و مقالات [البته با تفکیک منابع و تحقیقات] اما بدون توجه به کتاب، مجله و زبان نگارش صرفاً با ترتیب الفبایی آورده شده‌اند. تنها تفکیک صورت گرفته توسط ویراستار محترم این است که مآخذ نوشته شده با الفبای سریلیک را جداگانه و با ترتیب حروف الفبا آورده‌است، که البته آن هم بدون رعایت زمینه‌ی زبانی کتاب‌ها و مقالات ثبت شده‌است. به بیان دیگر در ذکر مآخذ آثار به زبان انگلیسی، ترکی استانبولی، فارسی، روسی و اوزبکی و... همه بدون در نظر گرفتن این ویژگی و بدون ملاحظه‌ی کتاب یا مقاله، در کنار هم آورده شده‌اند. افزون بر این، در مورد مآخذ به زبان فارسی، مثل کتاب «احوال و آثار خوشنویسان» تألیف مهدی بیانی و چند اثر دیگر، ویراستار مطابق اصول رایج ارجاع مآخذ بایست مشخصات کتاب را با حروف الفبای زبان اصلی ثبت می‌کرد که متأسفانه این آثار با الفبای لاتین ثبت شده‌است. مضاف به این‌که در یک مورد، نام «حسن انوشه» البته با حروف لاتین اشتباه تایپ شده‌است. این موارد در ذکر شناسنامه‌ی مآخذ به زبان ترکی استانبولی رعایت شده و در این موارد عیناً از الفبای لاتین ترکی استانبولی استفاده شده‌است.

در متن انگلیسی و روسی چند مورد غلط تایپی مشاهده شد که البته در متن اُزبکی اصلاح شده‌است. در بخش آوانگاری بین‌المللی عنوان ستون حروف عربی-فارسی را «عربی» ذکر کرده‌است در حالی که به جدول، حروف مختص فارسی «پ»، «چ»، «ژ» و «گ» نیز افزوده شده‌است.

صرف‌نظر از موارد انتقادی که بیان شد، متن ویراستار بسیار عالمانه نوشته شده و به خوبی توانسته‌است جوانب مختلف موضوعات مربوط به معرفی «دیوان دوستداران ...» را بیان کند و از این نظر یک کار علمی ارزشمند است. جا دارد به عنوان یک نقطه‌ی قوت علمی مقاله، به لیست کتاب‌شناسی مآخذ و منابع اشاره کنم که نشان دهنده‌ی تسلط نویسنده به آثار منتشر شده در زمینه‌ی «نوایی شناسی» و «خوشنویسی» در ایران، ترکیه، روسیه و ... است.

کتابنامه

- ۱- ایرکینوف افتان دل. علیشیر نوایی. آق‌قویون‌لی مخلص‌لار دیوانی. توکیو ۲۰۱۵.
 - ۲- میرجعفری. حسین. تاریخ تیموریان و ترکمانان. تهران. سمت. ۱۳۷۹.
 - ۳- نوایی امیر علیشیر. محاکمه اللغتنین. مقدمه، تصحیح و تحشیه، حسین محمدزاده صدیق. تبریز نشر اختر. ۱۳۸۷
- مقاله: پناهی. عباس. مرداد ۱۳۸۸. حضور فکری و علمی ژاپنی‌ها در پژوهش‌های ایران‌شناسی. کتاب ماه تاریخ جغرافیا. شماره ۳۵ صص ۴۲-۴۷.